

قطعنامه کنفرانس ملی حزب توده ایران درباره وضع ایران و جهان و وظایف حزب در مرحله کنونی

کنفرانس ملی حزب توده ایران گزارش سیاسی پلنوم نوزدهم کمیته مرکزی حزب را درباره مسائل جهان، ایران و وظایف حزب در مرحله کنونی شنید و پس از بحث پیرامون آن قطعنامه زیر را تصویب کرد:

وضع جهان

۱ - بشریت دوران حساسی را می‌گذراند. از یک سو، امپریالیسم - به ویژه امپریالیسم آمریکا - و ارتجاع، با تشدید مسابقه تسلیحاتی - بخصوص در زمینه تولید سلاح‌های هسته‌ای - و کشاندن دامنه آن به فضای کیهانی، جهان را در معرض خطر فاجعه جنگ هسته‌ای قرار داده است؛ از سوی دیگر، اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و نیروهای صلح‌خواه و دموکراتیک در سراسر جهان علیه این سیاست ضد بشری امپریالیسم مبارزه می‌کنند.

۲ - بیشتر کشورهای سوسیالیستی، که در زمینه‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی دستاوردهای بزرگی داشته‌اند، گام به مرحله سوسیالیسم پیشرفته گذارده‌اند. این مرحله پایه قانونمند بلوغ اجتماعی - اقتصادی جامعه سوسیالیستی در چارچوب صورتبندی کمونیستی بشمار می‌رود:

۳ - امپریالیسم و عملکرد آن زمینه‌ساز اصلی پیدایش و افزایش مشکلات عظیم اجتماعی - اقتصادی در "جهان سوم" است. یکی از حلقه‌های اصلی سیستم نو استعماری، بدیهی سنگین کشورهای آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین به کشورهای رشد یافته صنعتی جهان غرب است.

۴ - سیاست نو استعماری امپریالیسم منشاء عمده جنگها و برخورد های نظامی و مسابقه تسلیحاتی در "جهان سوم" است و تاثیر مخربی بر رشد اجتماعی - اقتصادی این کشورها می‌گذارد.

در شرایط کنونی، استعمار نو و ایدئولوژی و استراتژی ضد کمونیستی آن، به این جنگها و برخوردها، خصومت بفرنجی می‌دهد. امپریالیسم می‌کوشد تا با بسط و انداختن جنگهای محلی، سیاست غارت و بهره‌کشی و جلوگیری از فروپاشی مناسبات نو استعماری را با وظایف اجتماعی - طبقاتی خود، برای حفظ نظام میرنده سرمایه‌داری به مثابه نظام اجتماعی، پیوند دهد.

۵ - هر اس امپریالیسم از پیشرفت سوسیالیسم و گسترش انقلاب‌های آزاد بیخوش

ملی، خود نشانگر آنست، که نظام سرمایه داری و رنمای تاریخی خود را از دست داده است. • کارزارهای تبلیغاتی کمونیسم ستیزی، شوروی ستیزی، شووینستی و نژاد پرستی در میان توده های وسیع، از این هراس سرچشمه می گیرد. بدیهی است که لبه تیز کارزار کمونیسم ستیزی و شوروی ستیزی محافل امپریالیستی نه تنها متوجه کشورهای سوسیالیستی و احزاب کمونیستی و کارگری، بلکه متوجه همه جنبش های مترقی و دمکراتیک است. •

۶ - کنفرانس ملی، جنگ اعلام شده امپریالیسم و ارتجاع علیه جمهوری دمکراتیک افغانستان را، که تا کنون خسارت های جانی و مالی فراوانی برای این کشور ببار آورده است، قویا محکوم و از پیشنهاد های دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان برای حل سیاسی مسایل مربوط به این کشور و پیرامون آن حمایت می کند. •

کنفرانس ملی همچنین توطئه ها و تجاوزهای مزدوران امپریالیسم آمریکا را علیه مردم نیکاراگوئه، آنگولا و موزامبیک، محکوم و از مبارزه قهرمانانه زحمتکشان آفریقای جنوبی به رهبری "کنگره ملی آفریقا" علیه دولت نژاد پرست آن کشور و نیز از مبارزه فراگیر خدلق قهرمان شیلی علیه رژیم فاشیستی پینوشه پشتیبانی می کند. •

کنفرانس ملی از مبارزه برحق استقلال طلبانه و آزادی خواهانه مردم السالوادور علیه حکومت دست نشانده امپریالیسم آمریکا در آن کشور پشتیبانی و دخالت های آمریکا در امور داخلی کشورهای آمریکای لاتین را محکوم می کند. •

کنفرانس ضمن محکوم کردن سیاست تجاوزکارانه و توسعه طلبانه اسرائیل - این متحد استراتژیک امپریالیسم آمریکا - علیه خلق ها و کشورهای عربی، بر آن است که منطقه خاورمیانه و نزدیک بدون دستیابی خلق عرب فلسطین به حقوق حقه خود، از جمله تشکیل یک دولت مستقل فلسطینی، رنگ صلح عادلانه و پایدار را نخواهد دید. •

کنفرانس ملی همچنین پشتیبانی پیکارجویانه خویش را از همه خلق ها و دولت های متسرقی و انقلابی، که در پنج قاره جهان علیه امپریالیسم و ارتجاع مبارزه می کنند، اعلام می دارد. •

ارتقاء تروریسم بین المللی تا سطح سیاست خارجی دولت ایالات متحده آمریکا، نظیر آنچه که در تجاوز به لیبی انجام شد و تهدید به تکرار آن علیه دیگر کشورهای منطقه، نمایانگر خود سری و اعمال قانون جنگل از طرف دولت ریگان است. • کنفرانس این سیاست راهزنانه ننگین را شدیداً محکوم می کند. •

۷ - کنفرانس ملی بر آن است که میان آماج های نهایی جنبش های آزاد بیخشن ملی و دمکراتیک و مبارزه در راه صلح و علیه مابقیه تبلیغاتی، پیوند ناگسستنی وجود دارد. •

در عرصه جهانی چنان شرایطی بوجود آمده است که مقابله میان سرمایه داری و سوسیالیسم تنها در اشکال مابقیه صلح جویانه و همزیستی مسالمت آمیز می تواند ادامه یابد. • برخاسته از این واقعیت، کنفرانس ملی حزب ثوده ایران از سیاست خارجی

لنینی اتحاد شوروی و جامعه کشورهای سوسیالیستی در راه تنش زدائی و پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی - که از جمله در بیانیه ۱۵ ژانویه ۱۹۸۶ ریفیسوم «گارباچف» دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، پیرامون تقلیل زمان بندی شده ذخایر سلاح های هسته‌ای و انهدام کامل آنها تا سال ۲۰۰۰ ابراز شد - پشتیبانی می کند .

کنفرانس برای پیشنهادها و ابتکارهای صلح اتحاد شوروی، که در کنگره بیست و هفتم حزب کمونیست اتحاد شوروی مطرح گردید و هدف از آنها کاهش تنش و ایجاد اعتماد متقابل برای فراهم ساختن زمینه نابودی سلاح های هسته‌ای است . ارزش زیادی قائل است . سیاست حزب توده ایران در زمینه تامین صلح و امنیت جهان، از اوضاع موجود بین المللی سرچشمه می گیرد . مسابقه تسلیحاتی که امپریالیسم بدان دامن میزند، ادامه دارد . امپریالیسم آمریکا می کوشد تا با کشاندن دامن مسابقه تسلیحاتی بسه فضای کیهانی، توازن نظامی - استراتژیک با کشورهای سوسیالیستی را بسود خود تغییر دهد، ولی روشن است که در این زمینه موفق نخواهد شد . زیرا دوران قدر قدرتی ارتجاع بین المللی بسر رسیده و امپریالیسم دیگر تعیین کننده سپردگرگونی های سیاسی، اقتصادی جوامع بشری به شمار نمی آید .

گسترش روند انقلابی در جهان و اوجگیری جنبش های توده‌ای دمکراتیک در راه صلح و علیه جنگ، موجب تقویت هواداران صلح و امنیت جهان می شود و سدی در برابر سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم ایجاد می کند .

۸ - سرنوشت صلح و پیشرفت اجتماعی با برپائی رشد اقتصادی - سیاسی سیستم جهانی سوسیالیسم و در وهله نخست اتحاد شوروی پیوند دارد . در این زمینه کنفرانس ملی اهمیت فوق العاده برای مسایل طرح شده در کنگره بیست و هفتم حزب کمونیست اتحاد شوروی قایل است .

اسناد و مدارک و از آن جمله برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی که به تصویب کنگره رسید، دارای اهمیت تاریخی و جهانشمول است . این اسناد، مسایل گرهی خط مشی استراتژیک حزب کبیر لنین را در مرحله کنونی و دورنمای تاریخی نزدیک، به شکل فشرده‌ای ارائه می دهند و راه حل آنها را باز می نمایند .

مضمون و محتوای همه اسناد مصوبه کنگره بیست و هفتم، تسریع رشد اجتماعی - اقتصادی اتحاد شوروی است که باید در خدمت مردم این کشور قرار گیرد . اهمیت این اسناد در آنجاست که هدف های برنامه‌های سوسیالیسم پیشرفته را در بخرنج تسریع شرایط بین المللی در بردارند و مسیر حرکت آتی جامعه شوروی را به سوی کمونیسم تعیین می کنند .

برنامه افزایش دو برابر تولید در اتحاد شوروی طی ۱۵ سال آینده، با استفادۀ گسترده از دستاوردهای انقلاب علمی و فنی، نه تنها نیروی جاذبه سوسیالیسم را بیش از پیش تقویت می کند، بلکه در عین حال به معنی تحکیم پایه مادی صلح و امنیت عمومی در جهان است . تقویت هرچه بیشتر قدرت اقتصادی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، زمینه هرگونه مقابله نظامی امپریالیسم با سوسیالیسم را از بین برده و

عرصه اقتصادي - اجتماعي به مركز ثقل مقابله دو سيستم جهاني تبديل شده است .
در اسناد كنگره بيست و هفتم اتحاد شوروي ، تحليل دقيق و علمي مضمون اساسي
دوران ما ، معضلات عظيم آن ، آرايش نيروها در جهان ، خصلت بحران سرمايه داري و
نيروي محرکه روند انقلاب جهاني ارائه گردیده ، كه بايد مورد توجه همه جانبه حزب توده
ايران قرار گیرد .

جنبش هاي آزادي بخش ملي در استراتژي بين المللي حزب كمونيست اتحاد شوروي
هميشه مقام ويژه اي داشته اند . كنگره بيست و هفتم تئوري ماركسيستي - ليننيستي مبارزه
انقلابي - آزادي بخش را غني تر ساخت . در اين زمينه ، مسايل بسيار مهم تناسب عوامل
عيني و ذهني ، نقش پيشاهنگ آگاه انقلابي در گسترش دامنه فعاليت سياسي توده ها ،
شيوه هاي دستيابي به اتحاد نيروهاي ضد امپرياليستي و ديگر معضلات حياتي جوامع
در حال رشد ، مورد بحث و بررسي دقيق قرار گرفته اند .

كنفرانس ملي اعتقاد راسخ دارد كه اتحاد شوروي و ديگر كشورهاي سوسياليستي
در پيشبرد برنامه هاي عظيم اقتصادي - اجتماعي خود موفق خواهند شد .

۹ - كنفرانس ملي خواهان پايان گرفتن هرگونه مداخله امپرياليسم در امور خاور
ميانه و نزديك ، خليج فارس و اقيانوس هند و برچيدن كليۀ پايدارهاي نظامي خارجي
و ايجاد منطقه عاري از سلاح هاي هسته اي در اين بخش استراتژيك جهان است و
مبارزه در اين راه را وظيفۀ مستمر حزب مي داند . كنفرانس ملي بر آن است كه مبارزه در
راه صلح و تايمين امنيت جهاني ، يك وظيفۀ انقلابي است .

۱۰ - حزب توده ايران يكي از اعضاي خانواده احزاب كمونيستي و كارگري وداراي
مناسبات برابر حقوق و عميقا برادرانه با همه اين احزاب است . كنفرانس بر آن است
كه تنوع برداشت ها در جنبش كمونيستي و كارگري به هيچ رو به معني جدي ميان آنها
نيست . همان گونه كه وحدت نظر نيز به هيچ وجه به معني تحميل نظر حزبي بر حزب
ديگر و يا مداخله آنها در امور داخلي يكدگر نبوده و نيست .

نيروي جنبش كمونيستي و كارگري ، از برخورد خلاق با واقعيت ها برپايه آموزش
جهان شمول ماركس و انگلس و لينين ، همبستگي طبقاتي احزاب كمونيستي و كارگري و همكاري
برابر حقوق آنها براي دستيابي به هدف هاي مشترك صلح و سوسياليسم ، سرچشمه ميگردد .

وضع ايران

۱ - سردمداران مرتجع جمهوري اسلامي با عدول از آماج هاي ضد
امپرياليستي و مردمی انقلاب ۲۲ بهمن ، رژيم ترور و خفقان پليسي را بر كشور حاكم
ساخته اند .

مشخصات عمده رژيم حاكم بر ايران عبارت است از :

- حفظ نظام سرمايه داري و ساختار اقتصادي وابسته و تك محصولي كشور ؛

- استبداد مذهبي به شكل تركز اختيارات قواي سه گانه مقلنه ، مجريه و قضائيه

در دست يك فرد بر پایه اصل "ولایت فقیه" ؛

— کنترل پلیسی جامعه، سرکوب آزادبها و حقوق د مكراتيك مردم و پیگرد و بازداشت و شکنجه و قتل و اعدام مخالفان ؛

— اعمال ستم بر خلق های ایران و اقلیت های ملی و مذهبی ؛

— پایمال کردن حقوق کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان کشور و حمایت از منافع

کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان، به مثابه پایگاه امپریالیسم در ایران ؛

— زیرا گذاردن حقوق سیاسی و اجتماعی زنان، یعنی بالغ بر نیمی از مردم کشور؛

— تلاش در راه انهدام فرهنگ ملی و کوشش مستمر برای گمراه کردن توده ها،

اشاعه خرافات و موهومات و سنت های قرون وسطایی، علم ستیزی و دشمنی کین توزانه

با تاریخ، زبان، ادبیات و هنر خلق های ایران ؛

— نفی همزیستی مسالمت آمیز و معرفی جنگ به عنوان "رحمت الهی"، د خالت در

امور دیگر کشورها برای "صدور انقلاب اسلامی" ؛

— کمونیسم ستیزی و شوروی ستیزی و سیاست نزدیکی به کشورهای ارتجاعی

و امپریالیستی .

رژیم با سازمان دادن انواع نهاد های سرکوبگر و ارگان های اطلاعاتی، تروریسم

و جاسوسی علیه شهروندان و د خالت آشکار و خشن در زندگی خصوصی مردم را به سطح

سیاست رسمی دولتی ارتقاء داده و د گراندیشان را به گونهای بی سابقه مورد پیگرد و

سرکوب قرار می دهد . زندان ها از مبارزان راه آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی

و صلح و مدافعان حقوق کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان انباشته شده است . داد-

گاههای "شرع" با صدور احکام جابرانه، گروه گروه از زنان و مردان مبارز در بند را

به جوخه های اعدام می سپارند . شکنجه های جسمی و روانی در زندان های ایران

رواج کامل دارد . تا کنون صد هائغراز زندانیان سیاسی یا زیر شکنجه و یا بر اثر

شکنجه شهید شده اند .

۲ — جنگ ایران و عراق، که امپریالیسم آمریکا آتش آن را برافروخت و بدان دامن

زده و می زند، اکنون وارد ششمین سال خود شده است . این جنگ تلفات انسانی و مالی

عظیمی برای کشور ما ببار آورده است . شمار کشته شدگان، معلولان، بیماران روانی،

اسیران و آوارگان هرد و طرف د رگیرد ر این جنگ خانمانسوز به میلیونها نفر سر می زند .

ده ها هزار کودک و نوجوان از جمله قربانیان این جنگ ویرانگر هستند .

در شرایط کنونی، جنگ به یکی از کارآمدترین دست افزارهای رژیم برای دستیابی به

هدف های واپسگرایانه، ضد خلقی و شوروینیستی تبدیل شده است . ادامه جنگ رطآوری

جز ژرفش و گسترش سیاست ضد د مكراتيك و سرکوبگرانه، شتاب گرفتن روند بحران

اقتصادی-اجتماعی و تشدید عوارض گوناگون ناشی از آن، بویژه گرانی و بیکاری و فقر

عمومی، استوار شدن پایه های وابستگی نظامی و اقتصادی به امپریالیسم، تحکیم مواضع

کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و دیگر یغماگران داخلی و خارجی، چپاول دسترنج

ناچیز کارگران و دهقانان و سایر زحمتکشان و قربانی شدن آنان و فرزندانشان در پی ندارد .

جنگ عامل مهمی در انحراف انقلاب از آماجهای ضد امپریالیستی و خلقی آن بوده است . رژیم جمهوری اسلامی از ادامه جنگ هرچه بیشتر برای سرپوش گذاشتن بر تضاد های اوج گیرنده جامعه و اختلاف های درونی حاکمیت و به بیراهه کشاندن جنبش توده های بهره گیری می دند .

ادامه جنگ یکی از عوامل عمده تشدید حضور نظامی امپریالیسم آمریکا در منطقه خاورمیانه و نزدیک و اقیانوس هند و بویژه خلیج فارس است . امپریالیسم از این جنگ به مثابه ابزار مهم اجرای توطئه های کوتاه مدت و دراز مدت و از آنجمله تضعیف و کشتور همسایه ایران و عراق به منظور تحقق بیش از پیش هدف های شوم خود بهره می گیرد . از آنجایی که رژیم جمهوری اسلامی سیاست خارجی ماجراجویانه و توسعه طلبانه ای را دنبال می کند ، نمی توان احتمال تشدید جنگ و گسترش آن در سطح منطقه را از نظر دور داشت . رژیم با برداشتن هر گامی در این راستا نه تنها استقلال و حاکمیت و تمامیت ارضی کشور ما ، بلکه صلح و امنیت منطقه و جهان را در معرض تهدید و خطر جدی قرار می دهد .

۳ - اقتصاد ایران دچار بحران ژرفی است . تولیدات صنعتی و کشاورزی ایران در دهه اخیر هیچگاه در چنین سطح نازلی نبوده و این مسئله زائیده سیاست فاسد خلقی رژیم است .

تقریباً همه واحدهای صنعتی کشور ما ، از نظر تامین مواد اولیه ، کالاهای واسطه ای ، قطعات و لوازم یدکی عمیقاً وابسته به انحصارهای امپریالیستی هستند . مکانیسم نواستعماری ایجاد صنایع وابسته که در گذشته از جانب انحصار های فرامیلتی بر کشور ما تحمیل شده بود ، امروز نیز پس از گذشت بیش از ۷ سال از انقلاب ، با همان شدت و حدت عمل می کند . با وجود درآمد عظیم نفت هیچ تغییر مثبتی در ساختار صنعتی کشور بوجود نیامده است .

رژیم با در پیش گرفتن سیاست ضد ملی "درهای باز" ، اختصاص دادن بخش اعظم روابط بازرگانی خارجی خود به کشورهای رشد یافته صنعتی غرب و افزایش سریع واردات کالاهای مصرفی و نیز فرآورده های کشاورزی ، تولیدات صنعتی و کشاورزی کشور را با ورشکستگی روبرو ساخته است .

۴ - رژیم با خود داری از اجرای اصلاحات ارضی بنیادی بسود دهقانان کم زمین و بی زمین ، شرایط مهاجرت جمعی روستائیان به شهرها را فراهم آورده است .

۵ - سران جمهوری اسلامی به سیاست همپیوندی سرمایه دولتی با سرمایه های انحصارهای امپریالیستی ادامه می دهند . در آمیزی سرمایه دولتی با سرمایه امپریالیستی یکی از ویژگی های رژیم شاه بود . رژیم جمهوری اسلامی در این زمینه نیز باید در جای پای رژیم شاه گذارده و تقریباً همه سرمایه گذارهای خارجی رژیم سابق را که هدف از آنها

د رآمیزی سرمایۀ دولتی با سرمایۀ انحصارهای فراملیتی بود ، حفظ کرده است .

۶ - رژیم جمهوری اسلامی فاقد برنامه رشد اقتصادی است و قادر نیست به وضع اسفبار اقتصاد ملی سروسامان بخشد . برخورد دولت به معضلات عظیم اقتصادی ، روزمره است . بی برنامهگی دولت زاید به مبارزه‌ای است که در درون حاکمیت و میان جناح های گوناگون ، بر سر قدرت و منافع گروهی در جریان است .

اختلاف های موجود در درون حاکمیت و نهاد های تابع آن مانع از آن شد مگسه پس از گذشت ۷ سال از انقلاب، مسئله مالکیت و نقش بخش خصوصی در اقتصاد و حیطه و شکل عملکرد آن حل شود .

در این زمینه دو برخورد از سوی د و جناح عمده به چشم می خورد :

۱ - برخورد هواداران آزادی همه جانبه بخش خصوصی ؛

۲ - برخورد هواداران نقش بیشتر دولت در کنترل اقتصاد کشور .

موضع هواداران آزادی همه جانبه بخش خصوصی ، مبارزه با بخش دولتی و تعاونی زیر پوشش سپردن "کار مردم به مردم" یعنی شعار همیشگی سرمایۀ داران و بزرگ مالکان است . این جناح در حالی که بسیاری از مواضع کلیدی را بدست گرفته ، می کوشد تا همه قدرت سیاسی را تصاحب و مواضع خود را تحکیم کند .

هواداران نقش بیشتر دولت در کنترل اقتصاد کشور، ضمن حمایت از راه رشد سرمایۀ داری بر ضرورت کنترل دولتی بخاطر جلوگیری از محدودیت سریع پایگاه اجتماعی رژیم تاکید دارند .

ساختار عقب مانده ، ناهماهنگ ، پرتضاد و نامنسجم دولتی ، تعدد مراکز قدرت ، روشن نبودن وظایف و پهنه عملکرد وزارتخانه ها و نهاد های گوناگون دولتی ، از خود ویژگیهای نظام حاکم است . وجود شخص "ولی فقیه" در راس سه قوه ، "شورای نگهبان" بالای سر مجلس ، "نماینده امام" و "امام جمعه" در کنار استاندار و فرماندار و شهردار ، "سپاه پاسداران" و " بسیج" در کنار ارتش ، "وزارت جهاد" در کنار وزارت کشاورزی و همچنین "کمیته" ها در کنار شهرداری و ۰۰۰۰ و نیز " نمایندگان امام" در هر یک از نهاد ها ، جز در راستای متورم تر شدن هرچه بیشتر دستگاه دولتی ، فلج شدن نظام اداری کشور ، افزایش بی سابقه کاغذ بازی ، گسترش فساد و ریخت و پاش مالی و تشدید باند بازی و جناح بازی نیست و از مظاهر بحران نظام حاکم بر کشور ماست .

۷ - فقر مالی ، فقر بهداشتی ، فقر فرهنگی ، بیکاری روزافزون ، گرانی سرسام آور ، تورم فزاینده و بی مسکنی ، ره آورد های جمهوری اسلامی برای توده های مردم میهن ماست . در حالی که قیمت ها سیر صعودی دارد ، درآمد زحمتکشان بسیار اندک است . شکاف میان فقر و ثروت پیوسته ژرفتر می شود .

سیاست و عملکرد ارتجاعی رژیم از جمله زمینه ساز تشدید بی سابقه معضل مسکن و رشد بیکاری در کشور شده است . کمبود بیش از سه میلیون واحد مسکونی و بیکاری ۲۰ درصد جمعیت فعال کشور که بخش قابل توجه آن را کارگران صنعتی و صنوف تشکیلس

می دهند، جلوه‌هایی از سیاست بحران‌زا و ضد خلقی رژیم است.

۸ - مخالفت مردم با سیاست داخلی و خارجی رژیم جمهوری اسلامی بسه سرعت گسترش می‌یابد. • محمل عینی این مخالفت تضاد آشتی‌ناپذیر میان نیاز جامعه به پیشرفت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی از یکسو و رویای بازدارنده رژیم استبداد قرون وسطایی - مذهبی، از سوی دیگر است. • استقرار نظام خودکامه "ولایت فقیه" مسئله که مترادف کردن نظام اجتماعی - سیاسی را به یکی از مسایل حاد روز تبدیل کرده است. • در پیش گرفتن سیاست "درهای باز"، احیای مواضع اقتصادی امپریالیسم از طریق اختصاص بخش اعظم بازرگانی خارجی به انحصارهای فراملیتی، هم‌روند با ادامه درآمیزی سرمایه دولتی با سرمایه انحصارهای امپریالیستی، تضاد میان خلق - و در رده‌جسه اول زحمتکشان - با منافع غارتگرانه انحصارهای فراملیتی را نیز تقویت می‌کند. • بالاخره تضاد میان منافع کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان با منافع کارگران، دهقانان و خرده‌بورژوازی شهری در مجموع خود محمل‌های عینی اقتصادی، اجتماعی - سیاسی جنبش انقلابی را به منظور سرنگونی رژیم فراهم آورده است.

وظایف حزب در مرحله کنونی

۱ - مهمترین، عاجل‌ترین و مرکزی‌ترین وظیفه‌ای که بر اساس برنامه مصوب کنفرانس ملی در برابر اعضا و هواداران حزب قرار گرفته، مبارزه در راه سرنگون کردن رژیم جمهوری اسلامی است. • بنابراین همه وظایف حزب، اعم از سازمانی و تبلیغاتی و سیاسی ایدئولوژیک، باید در ارتباط مستقیم با این وظیفه عمده باشد. •

۲ - در زمینه کار سازمانی، گسترش هسته‌های حزبی در کشور همچنان به مثابه وظیفه عمده و اساسی باقی می‌ماند. • بدون گسترش فعالیت حزب، نفوذ در میان توده‌ها و سمت‌دهی به مبارزه آنها در راستای درست، امکان‌پذیر نخواهد بود. •

کنفرانس ملی اصل عدم تمرکز سازمانی را در شرایط کار مخفی ضرور می‌داند و بار دیگر بر آن مهر تأیید می‌زند. •

کنفرانس به هیئت سیاسی منتخب کمیته مرکزی جدید اجازه می‌دهد تا با تشخیص و بررسی همه جانبه، تعداد اعضا هسته‌هایی را که ضرور بداند افزایش دهد. • هیئت سیاسی موظف است که آئین‌نامه ویژه‌ای در این باره تصویب کند. •

مراعات اصول چهارگانه عدم تمرکز سازمانی، ترجیح کیفیت بر کمیت، درآمیختن کار علنی و مخفی و حفظ اسرار حزبی همچنان خصلت اساسی کار تشکیلاتی حزب را تشکیل می‌دهد. •

کنفرانس ملی اهمیت ویژه‌ای برای کارست دقیق و همه جانبه اصول پنهانکاری در درون هر واحد حزبی و در مجموعه حزب قایل است. • رعایت اصول پنهانکاری شامل حال همه سازمانها و هسته‌ها، چه در خارج و چه در داخل کشور، می‌شود. • باید بنا تمام قوا از نفوذ افراد مشکوک به درون سازمان‌ها و هسته‌های حزبی جلوگیری به عمل

آورد . در سازمان مخفی آگاهی هر عضو حزب از مسایل مشخص سازمانی فقط تا آنجا جایز است که برای پیشبرد فعالیت حزبی وی ضروری می باشد .

۳ - حزب ما ، به مثابه حزب طراز نوین طبقه کارگر ، باید با تلاش و کوشش هر چه بیشتر و پیگیرتر به سازماندهی و تجهیز زحمتکشان و در درجه اول طبقه کارگر ایران ورهبری مبارزه طبقاتی آنان بپردازد ، زیرا پیشرفت موفقیت آمیز بسری سوسیالیسم - کسه هدف نهایی حزب توده ایران است - از روند افزایش دائمی نقش طبقه کارگر در زندگی اجتماعی جدا نیست .

کنفرانس ملی تمرکز فعالیت حزب را در موسسه های بزرگ صنعتی - که کارگران در آنها تمرکز بیشتری دارند - و در محله های کارگری ضروری دانند . همچنین بر ایجاد هسته های مخفی رهبری مبارزه صنفی کارگران تاکید می ورزد و گام برداشتن در راه اجرای آن را یکی از اصلی ترین وظایف رهبری آینده می دانند .

۴ - به تناسب ایجاد محدودیت برای حزب و سپس یورش به آن ، ادامه فعالیت سندیکا های کارگری نیز ممنوع شد . تعداد زیادی از مسئولان سندیکاها بازداشت شدند و تحت پیگرد قرا گرفتند . کنفرانس ملی مقرر می دارد تا رهبری آینده حزب در زمینه چگونگی مبارزه صنفی - سیاسی کارگران در شرایط ترور و اختناق موجود به بررسی بپردازد و تدابیر لازم را اتخاذ کند . گسترش هسته های مخفی در کارگاه ها و کارخانه ها ، با رعایت دقیق کار مخفی و علنی ، از جمله این تدابیر می تواند باشد .

در شرایط موجود ، تشکل علنی در "شوراهای اسلامی کار" متمرکز است که زیر کنترل شدید رژیم و چشم و گوش های آن ، خصوصا انجمن های اسلامی قرار دارند . رژیم حتی تشکیل این شوراهارانی نیز در کارخانه های بزرگ و مادر و همچنین کارگاه هایی کسه تعداد کارگران آنها کمتر از ۳۵ نفر است ، ممنوع کرده است . کنفرانس مقرر می دارد که رهبری آینده حزب باید با استفاده از امکان های تشکیلاتی و تبلیغاتی خود در جهت هر چه بیشتر سیاسی صنفی ساختن این شوراهار و بنیانگذاری هسته های حزبی در آنها ، تلاش ورزد . بنابراین استفاده از تشکل های صنفی موجود و سازمان دادن تشکل های مستقل کارگری ، اهمیت مبرم دارد .

کنفرانس در خصوص فعالیت اعضای حزب در تعاونی های مصرف و مسکن که رژیم تلاش دارد آنها را محدود و متلاشی سازد ، به رهبری آینده حزب توصیه هایی کرد . بر اساس این توصیه ها ، رهبری حزب باید برای تقویت هر چه بیشتر این تعاونی ها ، رهنمود های لازم را به اعضا و هواداران حزب ارائه دهد .

۵ - با در نظر گرفتن گسترش مبارزه دهقانان علیه بزرگ مالکان و خانها ، ایجاد هسته های ویژه حزبی برای کار در میان دهقانان تهی دست - خصوصا در مراکز مهم مبارزه دهقانی - به مثابه نزدیک ترین متحدان طبقه کارگر ، ضرورت دارد .

این هسته ها ضمن اجرای وظایف حزبی و سازمانی خود ، وظیفه دارند که برای رهبری مبارزه دهقانان و پیشبرد این مبارزه ، جهت متشکل کردن دهقانان زحمتکش در

سازمانهای محلی - صنفی بکوشند . تشکله‌دهقانان در این سازمان‌ها - و به ویژه در اتحادیه‌های دهقانی که به منزله ستون فقرات قدرت توده‌های روستایی است - بسه دهقانان امکان می‌دهد که در وجود سازمان‌های خود به جبهه متحد خلق بپیوندند .

۶ - حزب باید کار میان قشرهای متوسط جامعه و خرده بورژوازی شهر - روستا را سازمان دهد و در زمینه متشکل ساختن زنان ، روشنفکران ، کارمندان ، هنرمندان ، دانشجویان و دانش‌آموزان و بطور کلی همه جوانان تلاش ورزد .

۷ - کنفرانس ملی بر اهمیت کار در بین نیروهای مسلح تاکید ویژه دارد و معتقد است ، در شرایط بحرانی و حساس کنونی که سرنوشت رژیم با ادامه جنگ و تشدید ترور و اختناق گره خورده است ، سازماندهی مبارزه انقلابی در میان نیروهای مسلح ، از طریق کار وسیع تبلیغی و ترویجی و با توجه به سنت‌ها و تجربه‌های گرانبهای موجود ، از اهمیت خاصی برخوردار است .

۸ - موفقیت در امر مهم سازماندهی ، در ارتباط تنگاتنگ و ناگسستنی با تامین انسجام و وحدت درونی حزب است . کنفرانس بر آن است که دستیابی به این هدف ، بدون مراعات انضباط آهنین در درون حزب ممکن نخواهد بود . حزب توده ایران ، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران است . عضو چنین حزبی موظف است تا مبلغ مرام و مشی حزب باشد و برای تحقق آن بکوشد ، در راه وحدت حزب - که شرط اصلی ادامه نبرد و بقای آن است - با تمام قوا بکوشد ، از هرگونه کار گروهی و فزاکسیون اکیدا بپرهیزد ، انضباط حزبی را زیر پا نگذارد ، اسرار حزبی را کاملاً حفظ کند و از ارتکاب به هر عملی که به حیثیت و اعتبار حزب و ارگانهای آن لطمه بزند ، اجتناب ورزد .

همه واحدهای حزبی ، در هر کجا هستند ، باید بطور فعال و پیگیر در اجرای وظایفی که از طرف ارگانهای مسئول به عهده آنها گذارده می‌شود ، بکوشند . واحدهای حزبی باید به گونه‌ای عمل کنند که از همه استعدادها و ابتکارهای انقلابی اعضا و هواداران حزب به بهترین وجه بهره‌گیری شود . همه واحدهای حزبی باید حقوق اعضای حزب را محترم بشمارند .

۹ - کنفرانس ، رهبری آینده را موظف می‌سازد که در هر محلی (در مهاجرت) کمیسیون‌هایی برای بررسی همه جانبه وضعیت اعضا و اعضا آزمایشی حزب تشکیل دهد . این کمیسیون‌ها موظف خواهند بود ، طبق آئین‌نامه‌های نه هیئت سیاسی در چارچوب مصوبات کنفرانس تصویب می‌کند و در اختیار آنها می‌گذارد ، با تک تک اعضای حزب بطور جداگانه مصاحبه کنند و پس از بررسی دقیق و کافی ، فهرست افرادی را که لیاقت عضویت در حزب را ندارند ، با ارائه دلایل قانع‌کننده در اختیار هیئت سیاسی قرار دهند . هیئت سیاسی وظیفه دارد که پس از رسیدگی دقیق و نظرخواهی از ارگانهای مربوطه ، اینگونه افراد را از حزب کنار بگذارد . این کمیسیونها بایستی حداکثر تا یکسال پس از تدوین آئین‌نامه ، به کار خود پایان دهند .

۱۰ - سازمان دادن مبارزه توده‌های مردم در عرصه سیاسی ، اقتصادی وایدئولوژیک

برای افشای نیرنگ های رنگارنگ ضد انقلاب، وظیفه دایمی تبلیغات حزب است .
۱۱ - در زمینه امور تبلیغی و ترویجی، فعالیت حزب باید متوجه توضیح استراتژی و تاکتیک حزب، استراتژی و تاکتیک جنبش جهانی کمونیستی و کارگری، بالابردن سطح آگاهی زحمتکشان با روح دل بستگی به د مکراسی، پیشرفت اجتماعی، صلح و سوسیالیسم، دوستی با کشورهای سوسیالیستی و جنبش های رهایی بخشمی و پیکار علیه ارتجاع و امپریالیسم باشد .

۱۲ - افشای سیاست ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی به قصد روشنگری و تجهیز نیروها، در سرلوحه وظایف ارگانهای تبلیغی حزب قرار دارد .
در این رابطه بجاست با توجه به آن که در درون هیئت حاکمه جناح های گوناگونی وجود دارند و این جناحها در زمینه های مختلف سیاست داخلی و خارجی با هم دارای اختلاف هستند، سیاست تبلیغی حزب منظم گردد . توجه به این تضادها و استفاده از آنها امری است ضروری . ولی این مسئله نباید موجب عدم توجه به ماهیت ارتجاعی و استبدادی رژیم در کلیت خود بشود . وظیفه اساسی در این مرحله مبارزه با مجموعه رژیم جمهوری اسلامی، به منظور برانداختن آن است .

۱۳ - تعرض ایدئولوژیک گسترده به منظور عمیق ساختن تبلیغات ضد کمونیستی و ضد شوروی، شناساندن دستاوردهای سیستم جهانی سوسیالیسم به توده ها و آشنا ساختن آنها با سیاست صلح و همزیستی مسالمت آمیز بین کشورها و پیوند ناگسستنی این سیاست با مبارزه انقلابی و به ویژه مبارزه ضد امپریالیستی و دمکراتیک خلقهای میهن ما، در عین حال افشای سیاست ماجراجویانه و تجاوزگرانه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، و نیز توضیح سیاست صلح طلبانه اتحاد شوروی و دیگرکشور های سوسیالیستی، از جمله وظایف مهم تبلیغات حزب بشمار می رود .

۱۴ - حزب در برخورد با نیروهای انقلابی و دمکراتیک، از اصل "اتحاد و انتقاد" تبعیت خواهد کرد و تبلیغات آن بر همین پایه استوار خواهد بود . انعکاس خواسته های ترقی خواهانه و مطالبات عاجل اجتماعی - اقتصادی و سیاسی نیروهای یاد شده تا آنجا که منطبق با برنامه حزب است و انتقاد اصولی از مواضع نادرست این نیروها، از مسواری است که باید همواره در تبلیغات حزب مد نظر قرار گیرد .

۱۵ - مبارزه در راه آزاد یهای دمکراتیک و رهایی زندانیان سیاسی از بند، دفاع از همه اعتراضها و حرکت های ترقی خواهانه علیه رژیم جمهوری اسلامی، حمایت از خواسته های عادی و برحق کارگران، دهقانان، کارمندان، پیشه وران، روشنفکران، دانشجو-یان و هنرمندان و غیره . همچنین افشای و محکوم کردن هرگونه بازداشت و محاکمه غیر قانونی و هر نوع شکنجه و اعدام - بدون در نظر گرفتن وابستگی سیاسی - باید جزیی و ویژه ای در تبلیغات حزب داشته باشد .

۱۶ - خواست پایان فوری جنگ و اجرای آتش بس جهت مذاکره برای صلح عادلانه به میرترین و توده های ترین خواست مردم میهن ما تبدیل شده است . بن بست جنسگ

بیشتر از پیش‌نمایان می‌شود. اکنون شعار "جبهه‌های جنگ را تحریم کنیم" یکی از شعارهای عمده جنبش توده‌ای است.

هسته‌های حزبی باید این شعار را در سراسر کشور، بویژه در میان کارگران و زحمتکشان، در سطح وسیع تبلیغ و با بکارگیری رهنمودهای علمی، توده‌ها را علیه جنگ بسیج کنند.

۱۷ - کمیته مرکزی در زمینه تبلیغات و ایدئولوژی موظف است با جلب و تربیت کادرها، تا سرحد امکان در غنی ساختن مضمون تبلیغات حزب بکوشد. سازمان دادن ترجمه و تالیف آثار مارکسیستی-لنینیستی و همچنین انتشار آثار ویژه در باره نهضت نازگری جهت بالا بردن سطح آگاهی کارگران، یکی از وظایف عمده کمیته مرکزی بشمار می‌آید.

کنفرانس از شاعران، نویسندگان و هنرمندان حزبی دعوت می‌کند که با آفرینش آثار هنری در بالا بردن آگاهی سیاسی توده‌ها شرکت کنند. فعالیت شاعران، نویسندگان و هنرمندان و مترجمان و پژوهشگران مردمی، بویژه در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی فرهنگ ملی و سنن تاریخی ما را آماج حمله‌های خود قرار داده، حایز اهمیت فراوانی است.

۱۸ - یکی از مسایل مهم حزب مهاجرت سیاسی گسترده‌تر فقط در سراسر جهان است. پیوند با حزب و زندگی حزبی در مهاجرت و نیز وظایف انقلابی در محیط مهاجرت با روند پرفراز و نشیب مبارزه در داخل کشور تفاوت اساسی دارد. در دوران مهاجرت وظایف ما عبارتند از:

- کمک به ایجاد هسته‌های حزبی جدید در ایران؛
- گسترش همه‌جانبه تبلیغات حزب در صحنه بین‌المللی به خاطر افشای هرچه بیشتر رژیم ترور و اختناق حاکم بر ایران و جلب همبستگی هرچه فعال‌تر نیروهای انقلابی در سراسر جهان به پشتیبانی از مبارزه مردم، مبارزه حزب و دیگر نیروهای انقلابی و برای آزادی زندانیان سیاسی؛
- مبارزه اصولی با گرایشهای ناسالم و نغمه‌های ناساز ضد حزبی از طریق روشننگری سیاسی؛

- مبارزه سرسخت و بی‌امان علیه رژیم و دشمنان حزب برای جلوگیری از نفوذ به درون حزب.

کار در مهاجرت جدا از کار در ایران نیست، بلکه در خدمت آن است.

۱۹ - کنفرانس ملی از همه احزاب کمونیستی و کارگری برادر در سراسر جهان و در وهله نخست از حزب کمونیست اتحاد شوروی و از همه سازمانها و جمعیتها و شخصیتهای مترقی و آزادخواه که در این لحظات حساس و دشوار تاریخ حزب ما، صدای اعتراض خود را علیه بیدادگرهای رژیم جمهوری اسلامی و در پشتیبانی از توده‌های درینسخت و دیگر زندانیان سیاسی بلند می‌کنند، مراتب تشکر و سپاس خود را ابراز می‌دارد.

هیچ نیرویی قادر نخواهد بود تا حزب توده ایران را از خانواده بزرگ احزاب

برادر جدا سازد . حزب توده ایران در آینده نیز مانند گذشته پرچم پر افتخار انترناسیونالیسم پرولتری ، همبستگی با احزاب کمونیستی و کارگری و دوستی با کشورهای سوسیالیستی ، بویژه همسایه دیوار به دیوار و دوست بزرگ ، خلقهای میهن ما ، یعنی اتحاد شوروی را برافراشته نگاه خواهد داشت .

ضرورت اتحاد نیروهای انقلابی و دمکراتیک

۱ - حزب توده ایران مرحله کنونی انقلاب را ملی و دمکراتیک می داند .
۲ - پیش شرط ها و زمینه های عینی برای سرنگون کردن رژیم در کشور ما وجود دارد . اما عدم نضج شرایط ذهنی مانع بسیج توده ها برای رویارویی با رژیم می شود .
۳ - تنوع و ناهمگونی ساختار طبقاتی جامعه که ناشی از عقب ماندگی نظام اجتماعی - سیاسی عینی موجود است ، اولاً موجب تشکل و سازمان یابی نیروهای سیاسی متنوع گردیده ، ثانیاً مانع از آن است که یک حزب یا سازمان سیاسی بتواند قدرت لازم را برای تجهیز توده های میلیونی کسب کند . ضرورت تشکیل جبهه واحد نیز زائیده این شرایط عینی جا معه است . کنفرانس بر آن است که در شرایط کنونی تشکیل جبهه متحد خلق - در برگیرنده طیف وسیعی از همه احزاب ، سازمانها و نیروهایی که بسطه آماجهای مردمی و ضد امپریالیستی انقلاب ۲۲ بهمن پایبند و خواهان تحقق شعار "آزادی ، استقلال و عدالت اجتماعی" هستند - ضرورت حیاتی دارد . این جبهه متشکل از کارگران ، دهقانان ، خرد بوزروازی شهری و روشنفکران خلقی خواهد بود و خواهد کوشید تا لایه هایی از بوزروازی متوسط و کوچک را که در برخی از تحولات ملی و دمکراتیک ذینفع هستند ، بسوی خود جلب کند . اکثریت عظیم توده های مردم کشور ما بالقوه می توانند در این جبهه شرکت کنند . اتحاد کارگران و دهقانان استخوان بندی چنین جبهه ای است .

شرکت در جبهه متحد خلق باید بر پایه برنامه مشترک و با حفظ استقلال سیاسی - ایدئولوژیک و سازمانی نیروهای شرکت کنند ه انجام گیرد . طبیعی است که در مرحله نخست باید در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی گام برداشت و برای جامعه عمل پوشاندن به برنامه مشترک چنان شرایطی را بوجود آورد که همه سازمانهای انقلابی ، مترقی و دمکراتیک و سازمانهای صنفی زحمتکش بتوانند با حقوق مساوی برای تبلیغ اندیشه های خویش و تلاش در راه تحقق آنها به فعالیت بپردازند .

۴ - تد اوم پیگیری و پیروزی نهایی انقلاب ملی و دمکراتیک در گرو اعمال رهبری حزب واحد پیشاهنگ طبقه کارگر است . برای تامین هژمونی حزب واحد پیشاهنگ طبقه کارگر در این جبهه ، وحدت طبقه کارگر و همه رزمندگان راه طبقه کارگر و بسیج قشرهای زحمتکش جامعه ضرورت دارد . حزب توده ایران در این راه مبارزه می کند .

۵ - از آنجا که رژیم جمهوری اسلامی حیات خویش را با سرکوب هرگونه مخالفتی در کشور پیوند زده ، ادامه موجودیت خود را در گرو تشدید ترور و اختناق قرار داده

است ، یگانه راه انتقال قدرت سیاسی به جبهه متحد خلق ، اعمال قهر انقلابی است .
در مبارزه برای سرنگونی رژیم می توان و باید از همه اشکال مبارزه ، از تظاهرات خیابانی
گرفته تا اعتصاب های همگانی و نیز مبارزه مسلحانه تود های استفاده کرد . حزب توده
ایران تسد ارك اشكال مختلف اعمال قهر انقلابی را وظیفه خود می داند و توده ها
را در این راه آماده می کند .

پیش بسوی وحدت همه جانبه مبارزان راه طبقه کارگر ایران

در حزب واحد پیشاهنگ طبقه کارگر

پیروز باد مارکسیسم - لنینیسم ،

جهان بینی انقلابی حزب توده ایران !